Anees of 20th January, 1946

مدیر وصاحب امتیاز: م، عثمان صدقی

انیس

مازیگرنی ملی وادبی پانه

آدرس: جاده سپه سالار (کوتی لندنی) کابل

شمارهٔ (۲۴۷) یکشنبه (۲۰) جدی ۱۳۲۴ ش ۱۳۶۵ ق (۱۷) صفر سال نزدهم (۲۰) جنوری ۱۹۴۶ ع نمرهٔ مسلسل (۲۳۰۵) قیمت یك شماره ۲۰ پول

(1) در دو صدمین سالگرهٔ تولدی

ویلیم جونز نمایندهٔ افغانستان بیانیهٔ ایراد نمود

کابل، فراریکه از کلکته خبر رسیده بناغلی کهزاد به تقریب دوصد مین سالگره تولدی سرویلیم جونز در موسسه رایل ایشیاتک سوسایتی آف بنگال در موضوع علایق تهذیبی هند وافغانستان واهمیت ار کیولوژی افغانستان بیانیه ایراد نمود.

(2) اظهار تشکر از حکومت افغانستان

ازطرف دارالفنون کلکته

کابل، از کلکته خبر گرفته شده که یونیورستهٔ کلکته از حکومت افغانستان بمناسب ارائه بعضی از آثار صنعتی افغانستان توسط بناغلی کهزاد در نمایش آثار یونیورستهٔ مذکور تشکر نموده است.

(3) شروع تعمیر عمارات جدید

خوست، باثر منظوری مقامات صلاحیت دار اخیراً کار ساختمان تعمیرات ذیل در مرکز خوست شروع شده است:

۱- عمارت کلوب عسکری.
۲- عمارت شفاخانهٔ ملکی.
۳- عمارت حکومتی.
۴- عمارت فشلهٔ عسکری.

در نیمه دوم تخته بیك این عمارات تماما مطابق نقشهٔ مهندسین ساخته میشود علاوه برین کار توسعه سرکهای موجود بین (دومندی) مربوط حکومت خوست ومرکز خوست ازطرف عملهٔ سرکهای وزارت فوائد عامه تحت نظر مامورین فنی وزارت موصوف شروع شده وبسرعت جاری است.

(4) عملهٔ فولادسازی اتازونی

قبل ازوقت معینه به اعتصاب پرداختند

واشنگتن، تعین شده بود که اگر شکایت کارگران فابریکه‌های فولاد سازی اتازونی رفع نشود سر از نیمهٔ شب دوشنبه اعتصاب آنها آغاز خواهد شد. اینك خبر رسیده که کارگران صنعت فولاد سازی اتازونی بگرفتن این خبر که بین (ترومن) و(فلیپ مری) رئیس کارگران فولاد سازی موافقه حاصل نه گردیده انتظار وقت موعوده رانکشیده وهزاران نفر دست از کار کشیدند.

(5) ۳۲ ملیون دولار قرض به ادارهٔ صادرات پنبهٔ اتازونی

واشنگتن، تیلر رئیس بانك صادرات وواردات اتازونی قرض (۳۲) ملیون دولار را برای امداد ادارهٔ صادرات پنبه به اتازونی ازطرف بانك صادرات وواردات اعلام نمود.

(6) بمشورت عمران مجدد در اتحاد شوروی

مسکو، وزارت تعمیرات اتحاد شوروی در علاقه های (سمولنسك) و(ولیکی لوکی) و دیگر وقبات غرب اتحاد شوروی بسرعت در تعمیر مجدد عمارات ومکاتب وشفاخانها ودیگر مؤسساتی که در زمان اشغال المانها خراب گردیده مصروف است.

(7) دهشت افگنی یهود

در بیت المقدس وتل عفیف

قاهره، در بیت المقدس وتل عفیف بازفیر های ماشینداره وتفنگ شنیده شده سه نفر انگلیس مجروح شدند. زیرا در نزدیکی ستانهٔ رادیوی بیت المقدس توسط دهشت افگنان یهود از بالای عمارات بر بعضی مواضع گلوله باری بعمل آمد.

(8) درکمیتهٔ ثلاثه چین

جنرال مارشال مشاورست

چونکه کنگ چونلای زعیم کمونست چین اظهار داشت که جنرال مارشال قبول کرده که در کمیتهٔ سه نفری ست مشاورت راجهت تشکیل مجدد عسکر چین اجرا کند.

(9) کلارك کار ازطرف انگلستان

به جاوا میرود که اوضاع را به رای العین به بیند

لندن، حکومت انگلستان اراده دارد که ارچیبالد کلارك کر سفیر کبیر انگلستان مقیم مسکو را بموافقهٔ حکومت هالینده بحیث سفیر خصوصی خویش به شرق الهند بفرستد تا با جنرال کرستسن معاونت کرده واشکالات سیاسی شرق الهند را حل و رفع نماید. ارچیبالد کلارك کر در این اواخر در پهارست به کمیسیون دول سه گانه بزرگ در پیشبرد پلان توسعهٔ حکومت رومانیا نمایندگی کرده وپس از مذاکره به اونست بیون در آخر ماه جاری به (باتاویا) خواهد رسید.

(10) هسپانیه وضع فرانسه را سیاست

همسایهٔ نادرست میداند

مادرید، کابینهٔ هسپانیه نسبت به سیاست فرانسه که طور یك همسایهٔ نادرست باهسپانیه پیش می آید، غور وتصمیماتی اتخاذ نموده است.

(11) میخواهند برق وگیس را در فرانسه ملی قرار دهند

پاریس، لائحه حکومت فرانسه جهت ملی قرار دادن صنایع برق وگیس با سامبلهٔ قانونی فرانسه ازطرف (ماو سل بول) پیش گردید.

فرانسه نسبت به تشکیلات فعلی

بین الملل ظنین است زیرا حق رد کاملا به دول بزرگ مربوط است

(12) فرانسه می خواهد حق رد به اکثریت مجلس داده شود

پاریس، آنچه فرانسه را نسبت به تشکیلات فعلی بین الملل ظنین میسازد اینست که اگر آینده تجاوز وتخطی بعمل بیاید بدون شك ازطرف دول پنجگانهٔ بزرگ غزاهد بود، ازطرف دول خورد دیگر. پس در اینصورت در حالیکه برای پنج دولت مزبور در شورای امنیت حق رد داده شده است تاهر تجویزی را که به مقابل متعرض پیش شود هر کدام آنها بتواند آن را رد واز مذاکره و تصویب در شورای امنیت طرد کند، پس در اینصورت میگویند منتظر نمیتوان شد که شورای امنیت خواهد توانست بمقابل کدام متعرض اقدامات فعال را شروع کند. این نکته است که فرانسه در سان فرانسسکو هم توجهٔ ملل و دول را بطرف آن جلب کرده بود حالا نیز وظیفهٔ خود میداند که آنرا به توجهٔ مجلس بنهد. زیرا در صورتیکه یکی از دول پنجگانه نخواهد تجویزی در مجلس امنیت طرح و تصویب گردد همینقدر کافی خواهد بود که از حق رد نامحدود خود استفاده کند و آن مسئله هرگز مورد بحث قرار نگیرد. فرانسه نظریه دارد که باید این امتیاز حق رد که مخالف روح دیموکراسی است لغو شود و مسئلهٔ رد وقبول به اکثریت مجلس داده شود.

مذاکرات طولانی برنز وبیون

(13) در اسامبلهٔ عمومی

لندن، بیون در اسامبله عمومی با برنز مذاکرات طولانی نمود.

(14) کار قراردادهای صلح ممالك

یوروپی در لندن

لندن، دیروز نایب های وزرای خارجه دول بزرگ (اتازونی، روسیه، انگلستان، فرانسه) در لندن جلسه وطبق کنفرانس آخر مسکو به کار آغاز کردند.

(15) اظهار نمایندگان سوریا ولبنان

در اسامبلهٔ عمومی

باید عساکر خارجه از سوریه ولبنان کشیده شوند فلسطین به حیث یك مملکت عربی مثل ترانس جوردان آزاد شود

لندن، وزیر خارجه لبنان در اسامبلهٔ عمومی اظهار داشت که تاعساکر خارجه از (لبنان) بیرون نشوند لبنان مصدر اقدامات صحیحی شده نمیتواند. همچنان فیاض الخوری نماینده سوریه وا نمود کرد که باید هرچه زودتر عساکر خارجه سوریه ولبنان را ترك گویند نامبرده گفت اگرچه ما نمیخواهیم مسئله سوریا ولبنان را به مجلس رسما رویت دهیم ولی میخواهیم توجه اسامبلهٔ را به آن معطوف ساخته باشیم فیاض الخوری ازچون ابراز تشکر کرد که برای ترانس جوردان حق آزادی قایل شده و گفت که باید به فلسطین که یك مملکت عربی است مثل آن آزادی داده شود.

(16) سرت چندرابوس رئیس

کانگرس وجناح باز رئیس مسلم لیك انتخاب شد

دهلی جدید، سرت چند رابوس ازطرف کانگرس رئیس وآصف علی نائبش انتخاب شدند. جناح باز رئیس مسلم لیك ولیاقت علی نائبش ازطرف مسلم لیك انتخاب گردیدند.

(17) والی شرق اردن به لندن میرود

که در خصوص آزادی رسمی مالك خود مذاکره کند

قاهره، در نزدیکی امیر عبدالله والی شرق اردن به لندن خواهد رفت ودرخصوص برسمیت شناختن استقلال وآزادی شرق اردن باولیای امور حکومت انگلستان مذاکره خواهد کرد.

کمیتهٔ انگلو امریك: رمارچ آینده (18) ازواشنگتن به فلسطین میرود

واشنگتن، کمیتهٔ انگلو امریك که بر مسئله یهود در واشنگتن غور میکند در مارچ آتی به فلسطین میرود.

(19) رژیم جمهوریت در هنگری

لندن، رادیو بود اپست گفت که داکتر (زلتان تلدی) صدراعظم هنگری اعلام نمود که قبل از آخر جنوری هنگری رژیم جمهوری را اعلام خواهد کرد.

اظهارات مدعی العموم فرانسه

(20) درمحکمهٔ نورمبرگ به نسبت مظالم المانها بر کارگران خارجی

نورمبرگ، دیروز عضو هیئت قضائی فرانسه در محکمهٔ نورمبرگ اظهار داشت که المانها متجاوز از یکنیم ملیون کشوری غرب اروپا را به المان برده وبحیث غلام از آنها در فابریکه‌های خود کار میگرفتند وبا آنها چنان وضعیت ناگوار میکردند که از باعث کمی مواد خوراکها از جملهٔ کارگران فرانسه ۲۵ هزار نفر مرد ودر جنوری ۱۹۴۴ هلتر به (زاوکل) امر نمود که از ممالك اشغال شده لااقل ٤ ملیون کارگر دیگر را بدست بیاورد.

سرمنشی ملل متحدین یا صدراعظم حکومت (29) دنیا روز چارشنبه انتخاب میشود

لندن، بروز چهار شنبه آینده معلوم خواهد شد که کدام شخص را برای عهده منشی عمومی مؤسسهٔ ملل متحده که یکی از بزرگترین عهده های دنیاست انتخاب خواهند کرد.

(24) پسر ملك ابن سعود در فلسطین

کوچکترین حقی برای یهود قایل نیست

قاهره، پسر ملك ابن سعود که نمایندهٔ حجاز در اسامبله عمومی است اظهار داشت که تا فلسطین یك مملکت کاملا عربی شناخته نشود وتا کوچکترین حقی برای یهود در فلسطین قایل شوند مسئلهٔ یهود ومسئلهٔ فلسطین حل نخواهد شد.

بیدو در اسامبلهٔ عمومی متحدین (21)

لندن، دیروز بید وزیر امور خارجهٔ فرانسه در اسامبلهٔ اقوام متحده بیانیهٔ ایراد ودر آن اظهار کرد که فرانسه حاضرست (توگولاند) و(کامرون) فرانسه را به نظام قیمومت در آورد مشروط برینکه اهالی علاقه‌های مذکور قیمومت علاقه‌های خودرا تصویب کرده وازروی کار آمدن قیمومت به حقوق اهالی علاقه‌های مذکور در جامعهٔ فرانسه آسیبی نرسد. فرانسه در عرصهٔ ۲۵ سال طبق لفظ ومعنی انتداب بعلاقه‌های مذکور خدمت نموده است.

ویشنسکی به نسبت غور بر نطق

(22) بیون به مسکو مانده است

لندن، اخبار پیل مینویسد که ویشنسکی به نسبتی در مسکو مانده که انعکاس نطق بیون را بجهد زیرا بیون در بیانیهٔ خود که تنها بر مسایل برطانیه بلکه بامور تمام دنیا تماس نموده بود.

مسئلهٔ ایران به کمیتهٔ امنیت (23)

رویت داده میشود که خوب بران غور کنند

قاهره، حکومت ایران بالاخره فیصله کرد که بکمیتهٔ امنیت مسئلهٔ ایران را بنام مداخله روسیه در امور ایران پیش کند. حسن تقی زاده رئیس هیئت از مجلس خواهش کرد که برمسئلهٔ توجه کامل خودرا معطوف دارند.

اسامبلهٔ عمومی (26)

کار غور بر راپورت کمیسیون مقدماتی را تمام وخود را به شش کمیته تقسیم کرد

لندن، دیروز اسامبلهٔ عمومی به بحث عمومی واستماع راپور کمیسیون مقدماتی خاتمه داده ودرشش کمیته تقسیم گردید که هر کمیته وظایف محولهٔ خویش رابیش خواهد برد.

انگلیس ها مسئلهٔ ایران را می خواهند (27) به دقت واحتیاط استعمال شود

لندن، روزنامه های (تایمز) و(نیوز کرانیکل) نوشته اند که باید مسئله ایران به دقت مخصوص استعمال شود تااز آن خطری برنخاسته باشد.

(28) عزیمت کاندهی طرف مدراس

دهلی جدید، گاندهی طرف مدراس حرکت کرد.

کمیسیون متحدین در کوریا (29)

مطابق فیصله مسکو به کار آغاز کرد

منیلا، دیروز کمیسیون متحدین در (سیول) مرکز (کوریا) برای عملی ساختن فیصله‌های کنفرانس اخیر مسکو درخصوص کوریا به کار آغاز کرد.

(30) نمایندهٔ جامعهٔ حقوق

ارجنتاین ازاسامبله می خواهد که نمایندهٔ پرون را ازمذاکرات بکشند چراکه فاشیست است

لندن، (دکتر کرکور بوبرمن) نمایندهٔ جامعهٔ حقوق انسانی ارجنتاین به لندن وارد شده واز مؤسسهٔ اقوام متحده درخواست خواهد کرد که چون حکومت (پرون) یك حکومت فاشیست نازی است لذا باید نمایندهٔ آن ازمذاکرات خارج ساخته شود.

از جهان علم

نویسنده : چروفسکی
مترجم: بناغلی م. صدیق طرزی

استعمال فریکنسی بلند

برای

تولید حرارت

آیا میتوان درظرف چند ثانیه یك تختهٔ ضخیم را درصورتیکه به میخ آهنی وسطی آن حرارت نرسد به ۱۲۰ درجه سانتی گراد گرم کرد ؟ آیا میتوان ورقهٔ آهنی را که سانتهٔ شیشهٔ درآن نصب شده باشد گرم ساخت ؟ وبالاخره آیامیتوان سطح خارجی یك چرخ دندانه دار را که در وسط آن حرارت نرسد گرم ساخت ؟ فقط چند سال قبل تمام این سوالات را اکثر انجنیرهای ماهر یك مزاح بی معنی میدانستند . امادروقت حاضره تخنیك عصری نه تنها این مسئله را حل ساخته بلکه عملاً آنرا ثابت کرده است که امروز ازین عمل درهر گونه امور تخنیکی وصناعتی کار میگیرند این اصول را اصول تولید حرارت ذریعهٔ الکتریك فریکنسی بلند نام می برند .

آیا چگونه ممکن است که تنها اصول تولید حرارت بدین گونه وضعیت های مختلف عملی شود ویا یك تختهٔ فلزی بطوری حرارت داده شود که حصهٔ وسطی آن سرد نگاهداشته شود ویا یك شیشی را که از فلز وشیشه ترکیب شده چطور ممکن است که به فلز حرارت برسد؟ درحالیکه بشیشهٔ آن آسیبی وارد نشود ویا اینکه ورق نازك سطح یك شی فلزی را تا بدرجهٔ که سرخ شود گرم نموده ویا اینکه یك پارچهٔ فلز ضخیم را کاملاً بطوری حرارت بخشید که گویا در کورهٔ آهنگری سرخ شده باشد؟ مایقین کامل داریم که توسط این اصول جدید اشیاء فلزی را بطوری گرم میتوانیم که پارچهٔ چوب ویا سانهٔ شیشه ئی مربوط به آن بحال اصلی خود سرد باقی بماند وقتیکه دربین سیم ها برق تبدیلی جاری شد اگر دربین حلقه های سیم آن کدام مربع چوبی را چاپدهیم اونیز مثل دیگر اشیا گرم میشود واینرا هم باید فراموش نکنیم که چوب وشیشه هردو عایق برق هستند ونظر به این قانون الکتریك در آنها جریان کرده نمیتواند اکنون اگر تجربهٔ خود را به اصول دیگر به کار اندازیم یعنی اگر دربین کایل سیم پیچاندگی عوض برقی که از لین برقی تبدیلی برای روشنی استعمال میگردد برقی را داخل نمائیم که از استیشن رادیوی قوی خارج شده باشد در انصورت حالت دیگری را ملاحظه خواهیم کرد . این نوع گرم رادیو که بنام گروپ جنریتر یاد میگردد آن هم از خود برقی را تولید میکند که با برق هادی دارای تفاوت میباشد و در حقیقت این گروپ نیز برق تبدیلی تولید میدارد اما این نوع الکتریك تبدیلی استقامت خود را خیلی بیشتر از برق هادی وبلکه چندین هزار مرتبه تبدیل میکند.

این نوع برق را برق تبدیلی فریکنسی بلند می نامند .

اگر برای مدت چند ثانیه از یك کایل الکتریك فریکنسی بلند را عبور داده و بعد ازان یك مکعب را در بین آن بگذاریم تجربه خواهیم کرد که این مکعب فلزی بدرجهٔ حرارت بخود میگیرد که کاملا سرخ میگردد اما چوب وشیشه بهمان حال اولی خود سرد باقی می ماند اگر ماچنین تجربه را درمکعب غیر فلزی اجرا کنیم خواهیم دید که این مکعب بصورت غیر منظم گرم میگردد بعضی حصص خارجی آن خوب گرم شده وحصهٔ داخلی ومرکزی آن کم حرارت خواهد داشت در بعضی اوقات حصهٔ خارجی مکعب فلزی نیز خوب گرم گردیده وحصهٔ داخلی آن خوب گرم نمیشود . علت عمدهٔ آن عبارت ازین است که جریان برق بدرجهٔ استقامت خود را تبدیل میدارد که دو حصهٔ خارجی را خوب گرم ساخته و بحصهٔ داخلی نفوذ کرده نمیتواند هرقدر که فریکنسی یك جریان بیشتر باشد بهمان اندازه تولید حرارت آن هم زیاد بوده و سطح نازك را گرم تر میسازد .

ازینجا بخوبی معلوم میشود که نظر به تبدیل کردن رفتار برق بسهولت میتوانیم که ورق خارجی یك مکعب فلزی را گرم کرده وحتی حرارت را بداخل مکعب مذکور هر قدر که خواسته باشیم نفوذ داده بتوانیم .

چطور میتوانیم برق فریکنسی بلند را برای گرم کردن اشیاء عایق الکتریك بکار اندازیم ؟

قراریکه تجربه ثابت نموده دربین چوب وشیشهٔ الکتریك نفوذ نکرده بهیجان درآمده نمیتواند لذا نظر به این اساس برق فریکنسی بلند باید آنرا حرارت داده نتواند ؟

اینك تجربهٔ جدید این عمل را ممکن میسازد اگر دربین دو عدد ورقهٔ فلزی یك پارچهٔ چوب را طوری بگذاریم که کاملاً مثل حلقه درلین جریان باشد وبعد ازان از گروپ رادیو یك قسم الکتریك فریکنسی بلند را دران داخل نمائیم

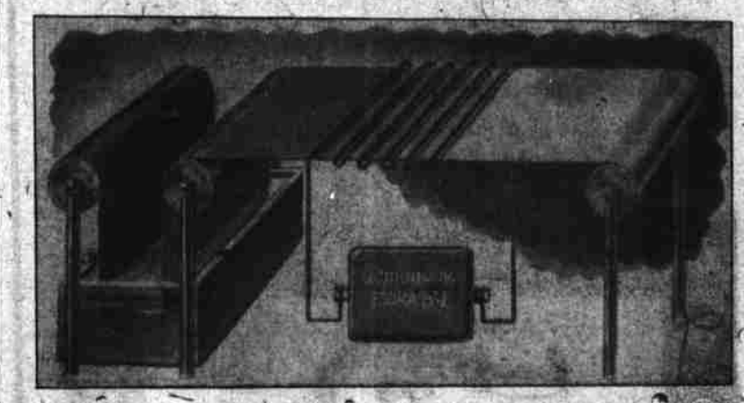

ورق فلزی که از تشت گیت عبور داده می شود ذریعهٔ قوهٔ جریان فریکنسی بلند روی آن لایهٔ نازك فلمی پوشانده می شود.

از هر طرف

ترجمهٔ ونگارش : بناغلی پاسبان

مهاجرت برخی از نویسندگان

به امریکا

تقریباً کمتر از یك قرن است که دروازه های امریکا برروی سیاحین ، مسافرین ومهاجرین اروپائی باز است .

بیش ازچندسال این مسافرین ومهاجرین هر که وهرچه بود ، بود اما درین چند سال که هوا وفضای مسموم جنگ محیط اروپا را بنای تهدید گذاشت ، اکثر از دانشمندان وهنرمندان بنابر صلاح ملك وملت مسافرت را براقامت به کشورهای شان مرجح دانسته عزم امریکا کردند. قسمت بزرگ این مهاجرین جلاوطنان موقتی را نویسندگان تشکیل میداد که اینك ما به مختصر معرفی ایشان از روی مطبوعات متفرق خارجی می پردازیم .

تاسال ۱۹٤۲ تقریباً ۲۰ نفر از نویسندگان معروف اروپای مرکزی در کشورهای متحد امریکا سکونت اختیار کردند که شش تن از نویسندگان مبرز فرانسه که از جملهٔ نویسندگان اروپای غربی بشمار میروند، در آن جمله شامل نیستند. مهاجرت موقتی اکثر این نویسندگان درسال ۱۹٤۰ و ۱۹٤۱ شروع گردید که تقریباً ۱۳ نفر آنها درطی سال اول ودوم اقامت درممالك متحدهٔ امریکا بواسطهٔ نشر آثار جدید وتازهٔ خود ازقبیل داستانها ورومانها ودواوین ، اشعار ، مورد استقبال شایان قدر ناشرین ومطالعین امریکائی قرار گرفتند .

از مشهور ترین نویسندگان اروپائی که در امریکای شمالی مهاجرت نمود ، یکی «توماس من» افسانه نویس شهیر است که صیت وآوازهٔ بین المللی دارد. این نویسنده که مدتی در آلمان ریاست انجمن بشریت خواهان (اومانیست ها) را داشته وبه اخذ جائزهٔ نوبل نایل گشته بود، بمیل وارادهٔ خود بمسافرت نیم کرهٔ غربی برآمده و دریکی ازشهرهای سواحل اوقیانوس آرام اقامت اختیار کرد وبنوشتن آثار گرانبهائی مشغول شد که ازهر حیث رضائیت وعلاقهٔ امریکائیان را حاصل نمود. البته مسافرت «توماس من» مدتها قبل از جنگ بود . این نویسندهٔ اروپائی نه تنها خودش حرفهٔ نویسندگی دارد بلکه چندتن ازخانوادهٔ او نیز نویسنده اند. ازجملهٔ «هانریش من» برادر او میباشد. که مولف چندین رومان و افسانهٔ باموفقیت است. از آثار معروف «هانریش من» یکی افسانهٔ «پروفسور اونرات» است که درمحافل ادبی وذوقی امریکا تاثیر نیکو انداخته واز آن فلم معروف «فرشتهٔ آبی» را برون آوردند که درآن «مارلن دوطریش» ستارهٔ معروف امریکا کار کرده است .

«گلوس من» فرزند «توماس من» معروف نیز نویسندهٔ باشهرت میباشد که ازآثار بسیار معروف او یکی ترجمهٔ حال شیرین وعشقی «چایکوسکی» موسیقی دان کومپوزیتور بزرگ روسی میباشد. دختر «توماس» که «اریکا توماس من» نام دارد نیز نویسنده ودارای آثار لطیف می باشد .

دیگر از نویسندگان معروف که حایز جائزهٔ نوبل بوده وفعلاً درامریکا اقامت دارند یکی «موریس ماترلینگ» مولف درامهٔ بسیار مشهور «پرندهٔ آبی» و کتاب «زندگی زنبورهای عسل» میباشد که غیر ازین دو آثار مهم دیگر نیز دارد .

«فرانتس ورفیل» نویسندهٔ معروف داستانهای حزن آور وفیلسوف «اطریشی» یاشاعر اطریش دیگر بنام «ریشارد هوفمن» نیز درممالك متحدهٔ امریکا می باشند .

امل ازجملهٔ مبرزین نویسندگان فرانسه که پس ازقرارداد متارکه بین فرانسه والمان در ۱۹٤۰ فرانسه را ترك وبه امریکا رفتند. یکی «آندره موروا» ودیگری «ژول رومن» می باشد. که «ژاك مارتین» و «ژور ژیرانوس» نیز بانها ملحق شدند .

این چهار نویسندهٔ وطن دوست فرانسوی وهمچنان نویسندگان دیگر درطول مدت اقامت خود درامریکا بفعالیتهای نویسندگی خویش ادامه داده ودرچاپ ونشر آثار خود حین اقامت وهمچشمی را درناشرین امریکائی بیشتر گردانیدند «او کوری» دختر «مو نکسیو وما دام کوری» معروف که درنوشتن شرح زندگی ما درخود مادام کوری در تاریخ ادبیات فرانسه مقام بزرگی را اشغال کرده است نیز پس ازطی نمایندگی چندین روز نامهٔ نیویارك در شرق قریب وشرق میانه اکنون در شهر نیویارك اقامت دارد

این نویسندگان باوجود دردوهجران ودوری ازوطن بهیچ وجه دست از فعالیت ونویسندگی نکشیده، برای پیشبرد مرام خویش وزنده کردن مملکت وملت خود دقیقه در کشور بیگانه آرام ننشستند ونشان دادند که نویسنده نیز درصف دیگر رجال مملکت مانند سیاستمدار وهنرمند وهوا باز [illegible] بحیث یك مجاهد وفدا کار برای [illegible] وملت خود خدمت شایان تقریر نمایند.

(بقیهٔ صفحهٔ ۲)

پرسیدم از چه قبیل، آه سرد وطولانی کشیده گفت: اول به اول عدم تشویق وتقدیر مردم ماست که ازمتاع مستحصلهٔ وطن خود استفاده ننموده وطوریکه آرزو داشتیم از عطریات ما که خالص عصارهٔ گل و ریاحین مملکت خود شان است استقبال نمینمایند.

اگر ایشان عطریات واسانسهای خارجی را ترجیح میدهند مؤسسهٔ ما حاضر است تا با یك عملیهٔ تحلیل بسیط برای شان ثابت سازد که عطریات مستحصلهٔ ما بمراتب از آنها بی ضرر و بهتر بوده وخالص است .

ثانی اینکه، تجارود کاندارانما طوریکه لازم است عطریات مارا نخریده وبدسترس عامه نمیگذارند ودرین مورد با مؤسسهٔ ما کمك خود را دریغ مینمایند. باهریك تجارو دکاندار یکه داخل مذاکره و اینچنین پیشنهادی شدیم خندیده گفته اند، که مال ما تامال خارج بسیار فرق دارد ونیز بوتل های مال خارج سربسته ومهر ولاك است. حالانکه ازشما سر باز وهم لیبل های روی بوطل رنگین میدهد ونیز مال خارج ومال وطنی به قیمت خود تقریباً مساویست مردم خوش نمیکند.

پرسیدم، سبب این عدم رضا ثبت و پروپاگند در بارهٔ عطریات شما چیست؟...

بالبخند تاثر آمیزی گفت، نمیدانم ایس برای رفع این مشکل چارهٔ سنجیده باشی؟،

به رگ حساس آنگشت ما نده بودم، چشمهایش درخشید و گفت، بلی، وشروع نمود، اگر ما امروز بتوانیم جهازوانبیق های تقطیر و ماشین های عطر کشی مودرن را تورید کرده بتوانیم . میتوانیم نظر به استحصال زیاد وموجود بودن لوازم عصری بمقدار زیاد عطر و انواع اسانس ها، بازار معمولات خارجی راشکستانده وذریعهٔ بوتل های مهر ولاك شده ولیبل های جاذب وقشنگ، عطریات خودرا به هر گوشهٔ ولایات افغانستان رسانیده ودر مؤسسهٔ خود توسعه دهیم ، ونیز قیمت عطریات خویش را پایان برده بااسانس های واردهٔ خارج رقابتی نمائیم ، یقیناً مقامات مربوطه با موسسهٔ ما کمك نموده این خواهش مارا پذیرفته ودر پی تسهیلات آن میکوشند ما پیش میرویم وامید است در ظرف چندسال محدود نتایج مهمی بدست آوریم .

دیگر اینکه تاوقتیکه به این مرام، تاخود موفق شویم باید ازمحاباة گمرکی کرده شود بتوانیم محتاجین راعادی به مواد مستحصلهٔ خویش سازیم ونیز بهمان قیمت تمام شد که مفاد کمی ضمیمهٔ آن است با عطریات خارجی در داخل مملکت رقابتی کرده بتوانیم .

مؤسسهٔ ما ازبدو تاسیس تاکنون باموسسات خارج تماس خود را قایم کرده داخل خط وکتابت شدیم وهم با متخصصین ومتجر بین داخلی شامل مذاکره ومفاهمه شده وفکرشان رادرین باره گرفته ایم وهم عطاران وعرق کشان برجسته ومبرز وطن را به لابوراتوار خویش دعوت نموده از معلومات وتجارب شان استفاده کرده میباشیم بدین صورت در توسعهٔ معلومات خویش افزوده وبصورت نظری وعملی داخل ساحهٔ عمل شده میباشیم تاخدا (ج) بخواهد به اثر این جد وجهد بمرام خویش نایل وبه این خاك خدمتی توانسته باشیم، «غ»

د نشر یاتو دلوی مدیریت رالیږنه،
دبناغلی نور محمد خان ترکی ترجمه،

دهلکانو لارښونکی

-٦-

لیکن مخصوص ددې دیاره چه ستادسو ال ځواب یه ښه دول در کم لازمه ده چه د آفرینش شرح باید یه مفصل دول ورته وکم انشا ، الله تعالی صباما زدیگر به دهغه یه ذکر ؤ به یو ری کو .

دوهم لیك

گرانه گلا لیه ! دهگا لم خا لق وو نو اوحیوانانو او ثولوژو ندیو ته دار از قومور کړیده چه له خیله جنسه ئې وزیږوی او که ئې داقوه وهرچانه پرخیله جنس باندی نه وای مخصوصه کړی نو یر ونو یه دول دول میوی پیدا کیدلی مثلاً دهغې پرونه به انگور او دژرد الریه ونو یه بادام موندهٔ کیدل اوهم دی ژوندیو ته دادول دخلقت قوه لکه خدای تعالی (ج) چه ئې لری نه دمور کړی شوې که نه وی ونو یه کو بال اومرغانو یه نور بو د گان او حیوانان پیدا کول اوهرچاچه هرخه فو ښتلای هغه شی یه ئې خلق کاوه خو خبرهر چاخپل تخم اوله خیله جنسه ئې دتو الدؤ تناسل قوه ودرلو دله چه که متلا دمنی تخم و کرل سی نو فقط دمنی ونه یه لحنی شنه سی او دبادام له تخمه خخه یه دبادام ونه اوهمدار نگه هرشی فقط خپل جنس شین کوی او زیږوی ! نو یه دې صورت کښی خدای تعالی (ج) دخلقت قوه اوقدرت ئې وهر جنس ته ورنکی بلکه یوه بله قوه ئې ورو بخښله چه له هغې قوې سره نزدیکت لری له دې سببه چه نهال له خپله تخمه خخه شین کیږی اوهم هر نهال دخپل تخم یه موجب سره جنس لری خودی قوی ته دخلقت قوه نسو یلای بلکه هغې ته دتو الدؤ تناسل قوه ویلای سو ددې قوې دپیدا کولو او حاصلولو کیفیت یه بیا یه بل لیك کښی در ته ووایم .

دریم لیك

گرانه گلالیه!

دیرون دلیك یه ورو ستنی برخه کښی می د نهال یه خوا کښی چه د کرل سوی تخم خخه یه لاس راځی ویل او ذکر کړی و ، خرنگه چه دمرغی مورو یلار نحالی جوړوی او بیاله هگیو خخه چوچیان راباسی او بیا یه دیره مینه خواړه ورکوی نو نهال هم دغه راز مورو یلار لری چه چیان له دوو مرغیو خخه زیږی چه یو نر او بله ښځوی چه یه دې مسئله یه پخپله نه پوهیږی خو فکر به دی نه وی کړی چه باید هر نهال هم باید یوه مورا و بل پلار لیکه مرغی چه ئې لری ، ولری او یه همدې نسبت آیت شریف دی چه (وخلقنا کم ازواجاً) یعنی تاسی می نر وښځی جوړه، جوړه خلق کړی یاست نو دنباتاتو یه برخه کښی هم دا مسئله شته او یه همدې نهالو کښی دنر وښځی طبایع یه یوه ښاخ کښی وجود لری او هغه وخت لیدل کیږی چه هغه نهال لوی شی او ونه شی او تخم ور کاندی تر خو چه هغه نهال وچ کیږی نو نور کهنی نهالو نه ئې له تخمه خخه شنه اومو نده شی یعنی که خه هم هغه ونه وچه شی خو له تخم خخه ئې هغه راز بله ونه شنه سی او خپل ژوندون ته به دمخکی پرمخ دوام ورکاندی هغه لاراو عمل چه د نباتاتو دنر وښځی طبایع سره نښلوی او بیا تخم چه له هغه خخه بل نهال شین کیږی لحنی جوړیږی یه ښه راز ښکاره او شر گندیږی او داعمل دیوه غنم یه ونه کښی هم یه ښه راز ښکاره کیږی یه دې دول وروسته له هغه چه دغنمو ونه ترمخکه ښه راوخیږی او پروړی راسی او هغه ورینمن جنس چه دوړی تر بیخ به دی لیدلی وی و غوړیږی نو یه هغه وخت کښی پروړی باندی یوڅو غوټی موندی سی چه دی ورینمین لحای او وړی ته مورباناتیه اعلا مه وائی او هغه غوټی ته یلار او یا ذکور علامه ویله کیږی هروخت چه باد دغنمو ونه وخوځوی او له هغه غوټی خخه دوړی اوگرزیږهغه ورینمن لحای راتوی سی دورینمن دلحای تاروته هغه گرزاو دوړی د غنم دبټی و منځ ته ور سوی او یه دې واسطه دژوندون ماده دغنم ودانی ته ورسی او بیا له دې ترتیبه ممکنه نه ده چه غنم دی یه وړی کښی شیر ونیسی. یه تولو نهالو کښی نرو ښځه یه گل پوری اړه نلری بلکه دو نو یه شگو فواود نهالا نو یه سروگلانو کښی هم لیدل کیږی او لحنو کښی لنکه د غنم دونی دادول صورت نیسی .

(بقیهٔ صفحهٔ ۲)

پس پولیس ها بازوهایش را کش کرده گفتند بیائید . مسافر، باز گفت که من از شما چیزی ازان پول را خواهش میکنم .

و یولا به بسیار پریشانی وتعجب پرسید کدام پول آقا، بواسطهٔ نیکی ومهربانی که شما بمن نموده وبعوض من داخل دویل گردیده اید . من باوجود ناداری وباآنکه درخریطه ام پول نیست بشما پول قرض میدهم .

مسافر به قهر به او نگاه کرده و گفت شما حالا خواری وپریشانی مرا دیده وازپول من انکار میکنید . اینکار خوب نیست . مبادا نیکی ها ومهربانیهائی که من بشما نموده ام مرا مجبور بسازد تاشمارا سرزنش نمایم .

ویولا باز به بسیار تعجب گفت آقا من هیچ ازنیکی های شما خبر ندارم وشما را هیچ نمی شناسم نه بشکل ونه به آواز .

پولیس ها بازوهایش را کش کرده و گفتند آقا بیائید خواهش میکنم که بروید .

مسافر درحالیکه بسیار غضبناك بود گفت مرا یك کمی مهلت دهید که به این جوان که اینجا ایستاده ومن اورا ازدهان مرگ نجات داده وبه محبت وشفقت پرستاری نموده ام حرف بزنم پولیس ها گفتند این بما چه تعلق دارد ؟ بیائید وبروید که وقت ما تلف میشود ودیگر تحمل نمیکنیم. مسافر گفت آه این شخص چقدر پست ثابت شد. توسباستین سیاوضعیت خوب ونیك خودرا ننگین ولکه دار نمودی ومن ترا چقدر یك شخص صادق وبی آلایش میدانستم .

درین هنگام پولیس ها اوراکش کرده وبردند آن مسافر بیچاره این صحنه را گذاشته و به طرف ویولا به نگاه های پرازملامت وحسرت میدید ومی رفت . ویولا از شنیدن کلمهٔ سباستین که نام برادرش بود ومسافر اورا بوقت مهر تهدید ومخاطب نموده بود ازخوشی تکان خورد.

داخل جنگ دید هردو شمشیر را بشمشیر خود زده بزمین افگند و گفت . این جنگ را قطع کنید . اگر این جوان بسا تقصیر کرده وخلاف تهذیب رفتار نموده باشد من قصور را برخود گرفته وبعوضش جنگ میکنم . واگر شما مرتکب توهین یا تحقیری نسبت باو گردیده باشید من از طرف او باشما مقابله میکنم .

سرتویی به قهر پرسید چرا؟ آقا شما کیستید؟ زیرا که به خراب شدن این تماشا س ناراض بود. وقتیکه ویولا به تعجب زیاد پس شد . سراندریو نیز برغبت تمام شمشیر خودرا به نیام گذاشته وپس شد .

مسافر بسوال سرتویی جواب داده گفت ، آقا کسیکه بعوض دوست خود جنگ میکند. پس چه ضرورت است که لاف اورا بشنوید . وحالا شمارا عملا نشان خواهد داد .

سرتویی که یك شخص بزدل نبوده بشمشیر خود بسیار مایل بود فریاد کرد که من به مقابل شما هستم . وبه مسافر حمله نمود . مگر هنوز جنگ جاری نشده بود که دونفر افسر پولیس که شایدمسافررا تعقیب مینمودند داخل شده ویکی از آنها دست خودرا بشانهٔ این مسافر که اینتانیو (نام داشت) گذاشته گفت من شمارا به سزای وضعیت تان که مقابل دیوك آرسی نو نموده اید گرفتار می نمایم .

مسافر سعی نمود که خودرا خلاص کند وگفت آقا شما سهو کرده اید .

پولیس گفت نه آقا، اگرچه شما کلاه دریانوردی بسر ندارید مگر شمارا می شناسم به سببی بعد از آن مسافر بطرف ویولا گردیده گفت این واقعه به سببی که شمارا جستجو مینمودم رخ داد حالا چاره نیست ومن باید مطابعت نمایم خریطهٔ مرا که فلا بشما داده بودم بمن پس بدهید . شما بسیار متحیر هستید خاطر خودرا جمع نمائید .

پیش نهاد واین واقعه را اصلاح خواهم نمود . تو این جا ایستاده شده وضعیت خودرا درست وباوفارانه نشان بده تامن این واقعه رابدون صنایع روحی قیصله خواهم نمود. مگر بدل خود میگفت که تماشای عجیب ودلچسپی برپا خواهد گردید. ومثلیکه خودت را گول زدم اسپ رانیز سوار خواهم شد .

بعداز آن به نزد ویولا آمده گفت ، آقا هیچ چاره نیست آن شهسوار برای درست نمودن قسم خود باشما مقابله مینماید . ونسبت به جنگ فکر خوبی نموده وگفته که قطعاً باشما ضرر نمی رساند وصرف برای صحت قسم خود باشما مقابله میکند ویولای بیچاره از این دعوت اندکی جرات پیدا کرده دل لرزان لرزان شمشیر خوردترك خودرا برآورده گفت خداوندا لزمن مدافعه نما وباخود میگفت که کمی بعد به آنها معلوم خواهد شد که من چقدر ازمردی ومردانگی دور میباشم سرتویی برای اینکه هردو مبارز را باشمشیرهای برهنه باهم مقابل نماید بطرف سراندریو دویده وبشانه اوزده گفت ، بیا آقای سراندریو هیچ چاره نیست آن جوان مهذب مصمم است که برای اثبات قسم خود باشما یك دفعه مقابله نماید .

مگر مرا به حیث یك شخص شریف وعسکر وعده نموده که بشما ضرر نرساند .

پس بمیدان بیائید .

سراندریو غم غم نموده گفت خدا کند که به وعدهٔ خود وفا نماید .

و یولا پیش آمده و آهسته آهسته میگفت که من بشما میگویم که این بدون ارادهٔ من است وآنها پس نرمیشدند نسبت به اینکه قریب ترشوند هنوز شمشیرهای این دونفر دویل کننده گان شجاع باهم تصادف نکرده بود که واقعهٔ عجیبی واقع شد . یك مسافری که بسیار مانده وذله معلوم میشد داخل این میدان گردیده ووقتیکه مزاح یورا باشمشیر برهنه

مسایل اقتصادی

از نشریات نیشنل ستیبانك نیویارك

مترجم باقلی محمدنبی خان

(31)

قیمت تمام شد

و

خطرات انفلاسیون

مسائل عمده و اساسی تعدیل مجدد اوضاع برای بعد از جنگ مستلزم پیشنهاداتیست که دران تهیهٔ کار، توسعهٔ بران بیکاری از سرمایهٔ فیدرل، ترتیب اجرت‌ها در حدود ۲۰-الی ۳۰ فیصد، بلند بردن معیار قانونی اجرت‌ها و همه اقدامات پیش بینی شده است، البته مسائل طبیعی تعدیل مجدد اوضاع در وقت لزوم چندان اشکالاتی ندارد ولی مسئلهٔ قابل دقت و ملاحظه عبارت از اصلاحات لازمه در امور تجارت است، یا بعبارهٔ دیگر تاسیس رابطهٔ صحیح بین اجرت‌ها، قیمت تمام شد و قیمت فروش است تا باین وسیله تجارت جریان داشته صنعت ادامه یابد و مصنوعات در بازارها توزیع و استهلاك شود.

بعضی‌ها تصور میکنند که تفکر در اطراف تمام شد و قیمت فروش حایز اهمیت نیست و چنین دلیل می‌آورند که از یك طرف تقاضا زیاد است و از طرفی پول بصورت بی سابقه بحالت متراکم است، صنعت می‌تواند اجرت‌های بلند را تادیه و همین اجرت‌ها محصولات را استهلاك نماید لیك همچه آرا و افکار از مقصود اساسی که عبارت از خطر انفلاسیون و تاثیر اجرت بالای قیمت است دور افتاده وطبعی است که برای یك موعد موقت تجارت به نسبت تراکم پول و از طرفی که احتکار و بعضی عوارض دیگر هم بان کمك میکند بقیمت گزاف تمام می‌شود، همین چیز است که مفکرین از ان هراس داشته و آنرا شبوع انفلاسیون میگویند، یگانه آرزوی ماجلو گیری از انفلاسیون و دفاع از اعادهٔ حادثه ایست که بعد از جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ رو داده بود، چیزیکه لازم داریم عبارت از نظام صحیح و استقرار پولی، کفایت و لیاقت در قوهٔ استحصال و تناسب منظم و عملی بین تمام شد و قیمت فروش است، تا باین ترتیب تجارت متمادیاً جریان داشته باساس متین و بادوام قایم گردد.

بلندی نرخ اشیای مایحتاج ملکی در زمان جنگ صورت عمومیت را بخود گرفته و مهم تلقی می‌شد که علت اساسی آن تصعید اجرت‌ها و قلت استحصال در قوهٔ کار گر بود، طبیعی است وقتیکه اوضاع تغیر میکند کار گران لایق جای کار گران بی کفایت را گرفته و در قوهٔ استحصال ترتیبدی بعمل می‌آید مسلم است که لیاقت کافی در قوهٔ کار گر و ارتقای استحصال تاثیر بارزی در تنزیل قیمت مالیه میاندازد. از طرف دیگر اهل صنعت باید دربارهٔ قیمت فروش و توزیع مصنوعات خود بار دیگر غور و تعمق نمایند چه در بسا موارد در حجم تجارت ایشان تنقیص بعمل آمده و بیشتر باتکالیف کمار گر، اجراآت فیودی اتحادیه، و عوامل بلند وقتن قیمت در کشمکش می‌باشند، گر چه مصارف حیاتیهٔ امروزی و صرف پول اجرت گیران از نزول یافتن اندازهٔ اجرت‌ها جلو گیری میکند ولی با این هم باید در قیمت مصنوعات تنزیل بعمل آید، زیرا بسا مردم از نقطهٔ نظر عایدات بتکلیف بوده و تا زمانیکه قیمت سامان مایحتاج ایشان با اندازهٔ مناسب و بقدریکه وضعیت اقتصادی ایشان اجازه خرید میدهد پائین نیاید، اوضاع بحالت غیر نورمال جلوه کرده و در امور ایشان بی موازنگی رخ میدهد.

تعبیر مجدد نرخ و اصلاحات آن حایز اهمیت بسزائی است، تنزیل نرخ صنعت بدون اینکه در معیار اجرت تخفیف بعمل آید می‌توان بوسیلهٔ ترقی و پیشرفت قوهٔ استحصال بدست آورد، البته عوایقی که مقابل پیشرفت استحصال واقع می‌شود سعادت بشر را تهدید خواهد نمود.

تکثر منابع و ذخایر، و ترتیبات که برای امداد و کمك‌های اقتصادی مدنظر گرفته شده مملکت را بدون تاثر و بحران پیش خواهد برد امید است در قوهٔ اصلاحی صنعت بهبودی بعمل آمده و باساس متینی استوار گردد تنها مسئلهٔ که بان اهمیتی را باید قایل شد عبارت از تاسیس تناسب و رابطهٔ صحیح بین تجارت و قیمت است که در همچه موضوع هر شخص در خور فعالیت خود مسئولیتی را دارا میباشند زیرا چنین نظریه تنها بوسیلهٔ قوای مقتدره تامین شده نمیتواند، حکومت هم که کنترول اجرت و تعیین قیمت را در دست دارد موظف است تا موازنهٔ بین این دو اساس قایم کرده قیمت را ثابت و قسمت تولیدات را توسعه دهد، اجرت‌هائیرا که صنعت در وقت امنیت تادیه کرده می‌تواند منوط به تادیه‌های مستهلکین است که مقابل مصنوعات میپردازند که در نتیجه این مسئله یکی از عوامل قطعی و بارز اقتصادی بشمار می‌رود.

مسئولیت اشخاص عبارت ازین است که باید برای کمك و استحکام اهمیت پول سهیم شوند یعنی از خریدی موجب اشیائیکه بان رشد ضرورت ندارند تا زمانیکه اجناس مکفی بازار عرضه شود خودداری کنند. در صورتیکه مستهلکین قوهٔ خریداری خود را الی وقوا موال حفاظه نموده و بدیگر محتاجین مصنوعات موقع دهند، البته در امور اقتصادی تاثیر بارزی انداخته و در اوضاع جاریه بهبودی نصیب خواهد گردید تشکیلات و نظام اقتصادی عبارت از یگانه حیطه ایست که دران تمامی اعضاهم کاری مینمایند یعنی اولا تولید و بازارها را از اجناس مملو نمایند تاثیرات انفلاسیون را تخفیف دهند مصارف حیاتیه را بحد نورمال برسانند و موازنهٔ را در امور مستحکم کنند، و سپس قوهٔ زحمت و کار مصنوعات را بقیمت مناسب استحصال نمایند تا باین صورت مارکیت‌ها را توسعه داده و معیار حیات را باندازهٔ کافی بلند ببرند.

بزرگترین خطریکه موجدین انتظامی و عدم استقرار است همانا بلندی قیمت تمام شد صنعت است.

از مباحث ادب

از استاد «بیتاب»

-۲-

(33)

گفتار روان در علم بیان

۷ - تسبیه شئی باسم آلهٔ آن مانند،

« تنها می‌پرستانند از زاهد دل آزرده - دل تسبیح هم از دست او سوراخ سوراخ است»

زیرا تسبیح در لغت بمعنی سبحان الله گفتن است مگر امروز اطلاق آن برای آلهٔ سبحان الله گفتن رواج دارد و مانند:

معشوق که عرش چو خیمه باد دراز - دیروز بین تلطفی کرد آغاز

برچشم من انداخت دمی چشم و برفت - یعنی که نگونی کن و در آب انداز

که مراد از چشم انداختن نگاه انداختن است.

۸ - تسبیه شئی باعتبار کما کان، یعنی حال ماضی آن:

حمد بیحد مر خدای پاك را - آنکه ایشان داد مشت خاك را

آدمی، بنابر حال ماضی مشت خاك گفته شده و مانند:

پای خم نشستم جام چون افتاد از دستم - شکستم شیشهٔ انگور چون می کرد بدمستم

مراد از شیشهٔ انگور شیشهٔ شراب است که باعتبار ماضی انگور گفته شده.

۹ - تسبیه شئی باعتبار آیندهٔ آن، مانند:

انی ارانی اعصر خمراً،

یعنی می‌بینم خود را که انگور می‌افشرم و باعتبار آینده انگور را خمر گفته.

نوت: مجاز مرسل علاوه بر مواد فوق مواد دیگری هم دارد درین مختصر همین قدر کافی است.

تشبیه

تشبیه بمعنی تمثیل و چیز را شبیه چیز دیگر نمودن است، بسبب صفت مشترکه که در بین هر دو است وارکان آن چار است:

۱ - مشبه،

۲ - مشبه به و این هر دو را طرفین تشبیه گویند،

۳ - ادات تشبیه،

٤ - وجه، شبه یعنی وصفی که طرفین در آن اشتراك دارند مثلا وقتیکه میگوئیم، اکرم در بخشش مانند حاتم است، اکرم مشبه و حاتم مشبه به و کلمهٔ مانند ادات تشبیه و بیان حال مشبه غرض تشبیه است وجود و کرم وجه شبه که مشبه و مشبه به هر دو در آن اشتراك دارند.

فایدهٔ تشبیه ایضاح معنی مقصود است بعبارهٔ موجز و از مثال فوق ظاهر است، زیرا جملهٔ اکرم حاتم است، در بلاغت و وضاحت مقام بلند دارد نسبت باینکه گوئیم احمد سخی، جواد و نان ده است.

(تقسیم تشبیه باعتبار طرفین).

تقسیم تشبیه باعتبار طرفین سه نوع است بتفصیل مواد ذیل:

۱ - تشبیه حسی و عقلی.

تشبیه حسی آن است که بواسطه یکی از حواس خمسه درك شود و عقلی آنکه به عقل فهمیده شود و بر چار نوع است:

اول - آنکه طرفین حسی باشند چنانکه گوئیم این سیب مانند لعل سرخ و این خربوزه همچو قند شیرین است بدنش مانند ابریشم و آوازش همچو صوت بلبل است و این‌ها را مدرك حسی گویند.

امثله از ابیات:

۱ - مبصرات:

نهد بشیر بنا گوش خویش سبزهٔ خط - مباد اهل نظر را درو نظر ماند

یا:

بسان قرص قمر این مینماید - بتونی قطعه قطعه در گلشان

۲ - مسموعات:

گناه چو حال عاشقان صبح کند تلوانی - گرچو حلی دلبران مرغکند نوا گری

۳ - مشمومات:

نسیم خلد میوزد مگر ز جویبارها - که بوی مشك میدهد هوای مرغزارها

٤ - مذوقات:

گفتم که طاؤسی مگر عضوی ز عضوی خوبتر - نی نی بسان نیشکر شیرینی از سر تا قدم

۵ - ملموسات

زمین طاوس گونه گشت گوئی - که جای نرمی و جای درشتی است

دوم آنکه هر دو عقلی باشند مانند تشبیه علم بحیات و تشبیه جهل بممات

مردگی جهل و زندگی دین است - هرچه گفتیم مغز آن این است

سوم مشبه حسی و مشبه به عقلی باشد مانند:

دوش از برم چو رفتی اگه نگشتم آری - عمری و رفتن عمر آو از یا ندارد

یا مثل

دیدم که یار میرود و از پیش رقیب - گفتم که عمر میرود و مرگ از قفاست

چارم مشبه عقلی و مشبه به حسی باشد چنانکه گوئیم علم نور است و جهل ظلمت

«تبصره» هرگاه شاعر در عالم وجود مشبه به نیافت مشبه به موهوم و خیالی میتراشد پس هر شیئیکه که مشبه به در آن وهمی باشد آن را تشبیه وهمی گویند.

(34)

او گفت:

مؤسسهٔ ما میکوشد تا موانعی را که در پیش روی ما قرار دارد با کمك هموطنان خویش دور سازیم

باری ضرور تم به ادی کولین افتاد، بنازهٔ رفته از مطلوبهٔ خود جویا شدم،

گفت، ببخشید، چند شیشهٔ که داشتم فروخته شد، ولایتی آن کم یابیاست، اگر ضرورت دارید از مؤسسهٔ خمید ساخت وطنی بخرید.

راستی «غرفهٔ معطر و مجلل این مؤسسه که در نندارتون همین سال دیده بودم بیادم آمد» و از آدرسش جویا شدم:

گفت «در بازار شاهی پهلوی دروازهٔ بوستان سرای و یا درب شرقی وزارت معارف واقع است. لوحهٔ هم در پیشانی عمارت بنام مؤسسهٔ حمید آویزان میباشد.

«آنجا شتافتم «در را باز کرده داخل محوطهٔ روشن و معطری که الماریها و جامکان های شیشهٔ در اطراف و وسط آن قرار داشته و مملو از بوتل های رنگا رنگ عطر و اسانس بوده شده» و از هوای عطر آگین آن مشامم معطر گردید.

رنگ و رونق مغازه، خوب و بدوق محیط ما مطابقیت داشته و تا اندازهٔ احتیاجات مراجعین را برآورده میتوانست، این مؤسسه یگانه مغازهٔ عطرفروشی عطر کشی مملکت ماست که با نحطهٔ چند از عطریات گلهای وطن خود مارا در پیشگاه وارد ین و مستقبلین خویش عرضه مینماید.

از پیش روی الماری ها وجا مکانها آهسته گذشته و با نظر تحقیق و تجسس به بوتلها نگاه کرده لیبل های شانرا که در روی بوتل‌ها نصب شده بود میخواندم، در عالم خیال توجه مرا مقاله ئیکه راجع به (اهمیت اقتصادی گلهای افغانستان) نوشته و در یکی از شماره‌های مجلهٔ اقتصاد نشر شده بود بخود جلب و معلوماتیکه راجع به این ذخیرهٔ بینظیر یعنی گلهای این مملکت برای نوشتن مقالهٔ مذکور بخود کسب نموده بودم یکایك در مخیلهٔ ام روشن شده و اخیراً جمله ها ئیکه رجع به تاسیس همچو یك مؤسسه نوشته و آرزو نموده بودم بخاطرم خطور و از این ثمرهٔ شیرین که اکنون در فضای معطر آن غرق تخیلات شیرین خویش میباشم شکر کشیدم.

در همین وقت بود که جوانی باجامهٔ سفید که مخصوص کیمیا گران است بمن نزدیك شده بعد از اشارهٔ سر گفت:

- بفرمائید! چه بکار داشتید؟ گفتم ادی کولین دارید...

- بلی داریم.

و هر دو به طرف یکی از الماری ها روانه شدیم، یله هارا باز و چند شیشهٔ خورد و کلان ادی کولین را نشان داد. لیبل های آنرا خوانده و یك شیشهٔ آنرا بقیمت نازلی خریدم. در حالیکه بوتل را بمن میداد و من پولش را می شمردم از او ضاع فروش و صورت استحصال عطریات و غیرهٔ آن پرسیدم.

جوان مذکور که شخص خوش سلیقه و خوش صحبتی بود، مرا جذب نموده و چوکی را در پیش میز خود نشان داد و هر دو نشستیم به سخن خود ادامه داده گفت:

بنده در مکتب دواسازی کابل تحصیل کرده و بعد از فراغ، در پی این شدم که باید مؤسسهٔ از عطر کشی و اسانس را از گلهای گیاهای خوشبوی وطن تاسیس و این احتیاج وطندارن عزیز خویش را برآورده و در راه تامین ذوق جان خدمتی کرده بتوانم. این مفکوره را دارم ساخت تا در بارهٔ گلهای افغانستان و امکانات استفاده از آنها تحقیقاتی نمایم. پس از آن شروع به تجربه کردم، تا اینکه سال گذشته عملا به تاسیس یك لابوراتوار کوچك در شهر نو موفق شده و به استحصال ادی کولین و بعضی عطریات آغاز بکار نمودم و بلا مبلغ سرمایهٔ شخصی خود را بکار انداخته و در تهیهٔ آلات و ادوات آن شدم. اما در سنهٔ مذکور با جد و جهدی که نمودم نسبت به اینکه برای اولین دفعه داخل این چنین یك اقدام بی سابقه شده بودم، معروض بخسارهٔ تقریباً ۳۰۰۲ هزار افغانی شدم که تاکنون تلافی آنرا کرده نتوانسته‌ام.

میخواستم برایش تسلی دهم، سخنم را قطع نموده گفت:

تشکر میکنم، میدانم مرا تسلی میدهید و تشویق میکنید اما مطمئن باشید عزم من قطعی و راسخ است، حاضرم تا برای موفقیت خود یك مبلغ سرمایهٔ شخصی ئیکه دارم تمامش را برای موفقیت درین راه بزیان بدهم اما تجربهٔ این سال دوم مرا از تشویش نجات داده، زیرا درین سال موسسهٔ ما خساره نکرد، تاکنون وضع مصارفات و فروش ما نورمال و خوب است و امیدست سال آینده بهتر شویم.

اگر ما موفق بتورید بعض آلات و جهازهای تقطیر و ماشین های عطر کشی شده بتوانیم امیدست که در ظرف مدت کمی این موسسهٔ ما توسعه یافته و به انواع و مقدار زیاد عطریات محتاج الیه مملکت را تهیه و بدست رس استفادهٔ وطندارن خویش بگذاریم.

گفتم، چطور، برای تورید ماشین و سایر آلات اقدامی نموده اید؟

گفت هنوز هم مشکلاتی در توریداست، اما به اثر لطف حکومت یك پایه ماشین تقطیر را که در مکتب میخانیکی بدون استفاده موجود بود بدسترس استفادهٔ ما گذاشته شد و هم لست سامان محتاج الیه خویش را از قبیل بوتل و سایر آلات شیشهٔ ئی که مورد ضرورت ما واقع است به مقام وزارت صحیه تقدیم و ایشان هم بخارج آورده داده اند تا بما مذکور را بمقابل پولیکه میپردازیم خریداری کرده و وارد نمایند.

موسسهٔ ما در نندارتون همین سال مورد توجه و نوازش اعلیحضرت پادشاه محبوب ما واقع شد و نسبت به رفع مشکلات و معاونت به این موسسه به متصدیان امور اقتصادی شفاها امر و توصیه فرمودند.

مطبعهٔ عمومی برای تهیهٔ لیبل ها و سایر ضروریات طباعتی ما توجه خاصی نموده و به همین صورت از همه طرف تقدیر و تشویق شدیم لاکن بعض چیزهائیست که در پیشرفت مؤسسهٔ ما سد و موانعی را تشکیل داده و باز ار ما را کساخته است که از ان خیلی متاسف بوده و از اقبال متاثر ساخته میباشد.

«بقیه در صفحهٔ ۳»

داستان انیس

از افسانه‌های شکسپیر

مترجم: یکی از بانوان فاضله

(32)

ایلیریا

(٦)

اولیویا از جای خود خیزز ده گفت، این عجیب یك دیوانگی اوسط تابستان است کاکا، تویی من کجاست؟

ماریای عزیز به بعضی ملازمین من بگو که این شخص را تحت نگرانی خود قرار داده و توجه مخصوص باو نمایند. این را گفته و آنها را گذاشت خودش بسرعت تمام از خانه خارج شد مالو الیوی بیچاره قبلاً باین فکر بوده و تجویز نموده بود که خوف بی‌بی خود را خواسته باو احسان و بخشش نماید حالا سرتویی و سراندریو و ماریا اورا بیك اطاق خورد و تاریك افگنده و به او گفتند که تو دیوانه شدهٔ اطاق را قفل نمودند. و آنجا گذاشتند شتابان به این معامله فکر نماید.

فصل ششم

سرتویی و سراندریو از عزت و احترامات یکه قاصد جوان دیوك به نزد اولی و یاداشت واقف بودند سراندریو که سلام و احترام و چرب زبانی او را شنیده بود به حسد تمام بادوست خود سرتویی گفت که آن جوان یك شخص عالی جاه و از اهل دربار است چون که خود سراندریو هیچگاه موفق نشده بود که کلمهٔ بهمراهٔ آن خانم مغرور بگوید.

سرتویی قصهٔ برانگیختن یك ساعت تیری و مزاح دیگر را نموده فهر او را زیاده تر برافروخته و آتش او را تیز نمود. زیرا که گول زدن و بازی دادن سراندریوی بی عقل و خود نما کار آسانی بود به او گفت که اولی و یا این جوان جسور را جسورتر نموده به او جرات بخشیده و متیقن بود که هیچ سخن دیگر سراندریو را زیاده از این سر غیرت آورده نمی‌تواند، بعد از آن گفت که صرف یك راه باقی است که با سی زاریو زندگی کند و گفت آن جوان را به دویل دعوت کرده و زخمی کن پس کاکا زاده من از اول سرد شده و دیگر باو توجه نخواهد نمود و بدان که هیچ صفت خود نزدن بلند تر از شجاعت او نمی‌باشد و زن هیچ دیگر توصیف مرد را نسبت دلیری و بهادری او ترجیح نمیدهد.

بعد از آن سراندریو یك مکتوب فصیح و مفصل برای دعوت سی زاریو به دویل نوشته و سرتویی را موظف به رسانیدن مکتوب بجوان نموده و متیقن بود که این جوان باریك و نحیف مرد جنگی و شمشیری نیست و دوست خود را نیز می‌شناخت که شخصی لافوك و یك شهسوار خانه گی میباشد. از این رو امیدوار تماشای خوبی بوده با خود فکر میکرد که اگر این هر دو مقابل بهم دیگر بایستند منظره بس عجیبی خواهد بود.

وقتیکه ویولا از نزد اولی و یا خارج شده با آهستگی به طرف خانه دیوك راه می پیمود سرتویی را دید که عقب او می آید فلا هم او را می شناخت که خویش اولی و یا است. تا اینکه نزدیك او رسیده و گفت یك شهسوار بسیار شجاع که سراندریو نام دارد از وضعیت شما بر آشفته و قهر گردیده شما را به جنگ تن به تن دعوت نموده است.

ویولا گفت، آقا شما سهو کردید هیچ کس با من مجادله و گفتگو نکرده و بطرف دروازه دیده فکر کرد اگر دور از شیوهٔ مردی و غیرتی که او خود را صاحب آن معرفی کرده بود نمی‌بود میدوید و می گریخت به نرمی از سرتویی پرسید که هر وضعیت مرا کاکا و شجرو تو هیچ پنداشته او مرتکب هر سهو که مرا میداند برای عفو خواستن آن حاضرم و من یك شخصی جنگی نبوده و دویل برای من ناممکن است.

سرتویی شریر گفت آقا همین قدر میدانم که شهسوار مذکور بسیار متغیر و برافروخته است و او چنان یك شخصی دلیر و خونخوار قابلست که در تمام ایلیریا نظیرش را کسی ندیده و به مهربانی گفت که شما همراه من نزد او بروید من در بین شما صلح خواهم نمود.

ویولای بیچاره از این وعده خورسند شده و مثلیکه کسی بطرف شیر درنده برود سرتویی را تعقیب میکرد.

سرتویی پیش تر رفته و خود را به نزد سراندریو که بگوشه قدم زده به شمشیر خود بازی مینمود رسانیده و او را استقبال خوبی کرد و گفت که آن جوان یك شخصی بسیار تند خو و دلیر است بعد از آن که من چند دقیقه با او مذاکره نمودم دانستم که یك شخص شجاع و دلیری است که در عمر خود ندیده ام.

سراندریو شمشیر خود را به نیام گذاشته گفت من با او مداخله فضولانه نمیکنم، و واقعه را سرسری وانمود کرده گفت (بلا به این) اگر من میدانستم که او یك شخص شجاع و به مدافعه قادر و توانا است او را هرگز به جنگ دعوت نمی نمودم سرتویی را گفت که آن جوان را وادار کن که از این معامله گذشته و از این جنگ صرف نظر کند من اسپ خاکستری خود را با و خواهم داد.

سرتویی شانه های چاق پیرانه خود را به تحقیر تکان داده گفت من این تجویز ترا به او

سپورت

شاغلی «بینم» (متخصص سپورت)

سپورت حس ملیت را تشویق میکند

طبیعی است که در اثر میچ و مسابقه‌ها چه در اجتماعی و چه در انفرادی بین تیم های هم وطن وخارجی که چنین برای ربودن گوی سبقت ابراز فعالیت مینمایند حس ملیت تشویق میگردد. تا اشخاص فایق به آن ذریعه دیسپلین نظم و نسق وجود هر سپورتی های خود شان را بدنیا معرفی و اثبات رسانیده علاوتاً مورد تحسین و تقدیر مقامات مربوطهٔ خود قرار گرفته بتوانند یعنی حس ملیت است که ایشان را بهر فداکاری و زحمت کشی مجبور ساخته بمصرف انتهای قوت وانرجی وادار و به نتایج شایانی مفتخر میسازد هر سپورتی مجبور است در اثر فعالیت بدنی (علاوه از تقویهٔ اندام وصحت) خویش را در محافل سپورتی اگر شهرت ولیاقت زیاد موجود باشد در محافل سپورتی خارج نیز معرفی نموده روزی سبب و واسطهٔ خدمات مادی ومعنوی وطن خویش گردد و چون این مسئله عموماً باعث مفاد حکومت ورابطهٔ دوستانهٔ آنها با ممالک همسایه و غیره قراردادهای تجارتی میگردد سپورت در انظار همچو حکومات حایز درجهٔ خوبی گردیده زمینه را برای تربیهٔ جوانان خود مستعد و وسایل را فراهم میسازند تا از تودهٔ بزرگ ملت جوانان لایق که حفظ حقوق ملی و وطن پروری را مقدس میشمارند تربیه و روی کار آورند و باید تذکر دهیم که تربیهٔ بدنی تنها برای قوی ساختن جسم و فعالیت اورگانزم نی بلکه برای تربیه نمودن اشخاص وطن دوست که پادسیلین و ثبات اند حایز اهمیت خاصی میباشد طبعاً اغلاط است اگر بعض مخالفین سپورت تصور میکنند که مربوطین شان در اثر استعمال سپورت قد وقیافه های عجیب بخود گرفته مانند پهلوانان زمانهای ماضیه از عموم نزاکت، اخلاق نیک ووظیفهٔ انسانی محروم گردیده یگانه میدان ورزش، تیل وتنباکو، تنبلی و تغافل، خوردن وخوابیدن اعتبار نموده که دیگر چیزی نزد آنها اعتباری ندارد، میگویند پس گفته شود که یگانه اشخاص سپورتی بودند که بصفت عسکر فرن بیست در جنگ جهان هرگونه فشارها و ناملایمات وتبدلات وانقلابات آب وهوا از قبیل گرمی وسردی، طوفان وباران، گرسنگی و تشنگی را متحمل و روزها هفته ها، ماه ها وسالهای طویل را در مقابل هجوم مشکلات ودشمن قوی وبامر که مجادله نموده بالاخره در شهر هزم و ثبات سپورتی به کامیابی های درخشانی نائل وباعث افتخار ملل گردیده اندیس گفته شود که آیا تحمل اینگونه شاهکارها را اشخاص عادی که از تربیهٔ بدنی محروم اند قبول ویکر وزآنرا بسر برده میتوانند؟! پس سپورت وتربیهٔ بدنی است که جوانان ملل را قوی، صاحب عزم واخلاق حس ملیت وغیرت حس مسئولیت وفداکاری تربیه نموده در صحنهٔ جدوجهد جهان معرفی مینماید. ویگانهٔ این اشخاص میتوانند در دنیای امروزه حق زیست ودفاع را حاصل وحقوق وشئونات ملی خویش را حفظ نمایند. وحیات شرافتمندانه ای بسر برند چون در جوانان افغانی ما استعداد وذکاوت کافی موجود است لذا باید آنها هم مانند جوانان دیگر ممالک زمینه را شخصاً برای پیشرفت خود مستعد ساخته تربیهٔ بدنی را چیز خوب ونیک پنداشته بکمک توجه وحواس برای بهبودی صحت وحاصل نمودن صفات فوق الذکر کوشان باشند تا بتوانند در راه خدمت وفداکاری بوطن وجامعه سرفراز گردند، همچنین مانند دیگر جوانان باعث نام نیک وافتخار محترم وطن شده سپورت وتربیهٔ بدنی حقیقی را باتمام صفات مربوط آن بدیگران معرفی نمایند تا مخالفین سپورت در مرور ایام ازبین رفته در تعداد طرفداران تزاید بعمل آید.

در سر میزنان

مترجم شاغلی «ن»

حرکاتی که می باید از آن اجتناب نمود

دستمال خود را به گردن ویا جاکت خود میاویزید. (۱) هم چنان آنرا بدور گردن خود گره نزده بلکه نیم قات نموده روی زانو های خود بگذارید. لب های خود را به شدت (۲) با دستمال پاک نکنید.

برای نوشیدن آرنج خود را بلند نموده و سر خود را (۳) به عقب خم نکنید.

آرنج های خود را بالای میز (٤) و در پهلو های همسایه های خود نگذارید. طبیعی است که دست های بیکار بهتر است در دو طرف بشقاب قرار گیرد. در وقت مطالعه نباید با دست بسیار اشاره نمود. احتیاط کنید تا سر میزی خود را کثیف نسازید هم چنان روی میز نه با انگشتها و نه با انجام کارد ویا بینجه (٥) تق تق نزنید. شوربا ویا سائر خوراکهای مایع را با سر و صدا سر نکشید. تمام گوشت خود را یک مرتبه در بشقاب ریزه نکنید (٦) پارچهٔ نان را با سر انگشتان خود در بین خوراکهٔ بشقاب فرو نه برید بلکه این کار را بوسیلهٔ پنجه انجام دهید (۷) پارچهٔ کوچک نان خود را با کارد قطع نه نموده بلکه با دست آنرا خورد نمائید. (۸) مستقیماً از دهن خود در بین بشقاب خالی پارچه های استخوان و یا هسته (۹) میوه را نیندازید بلکه استخوانهای خورد و کلان را در ذریعهٔ پنجه و هستهٔ میوه را با قاشق و یا دست خود بگیرید هیچ چیزی را با انجام کارد (۱۰) بدهن خود مبرید انگشتان خود را (۱۱) نکیند. دندانهای خود را میز نان مخصوصاً با کارد (۱۲) ویا انگشتان خود پاک وتصفیه نه نمائید. دهن خود را با آخرین جرعه آب شست وشو نه نمائید.

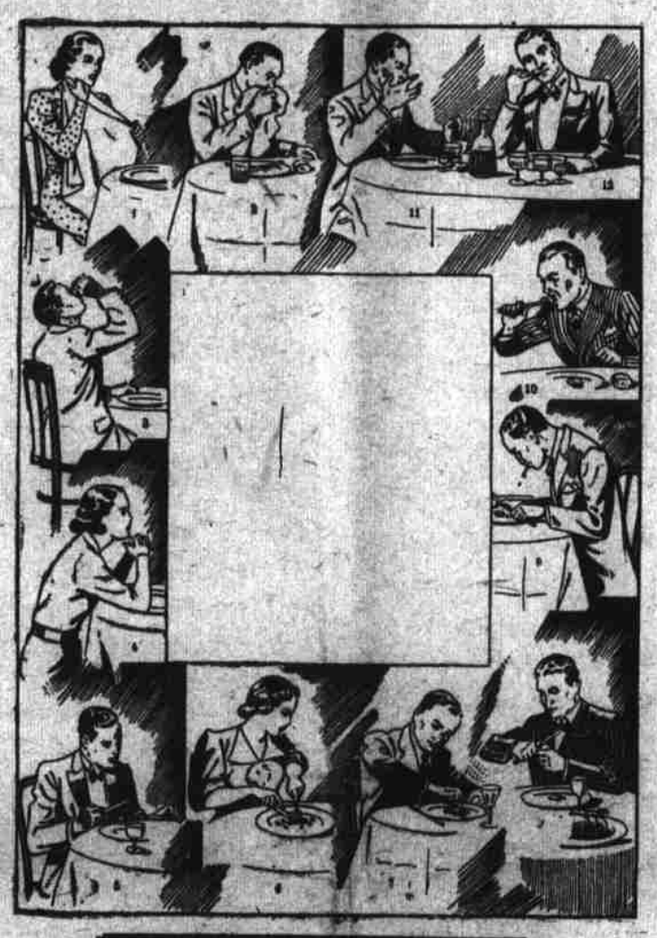

انیس وخوانندگان

شاغلی «ر» مکتوب شما را خواندیم پیشنهاد شما خیلی خوبست ما کوشش می کنیم که من بعد بخصوص بعضی ممالک معلومات جغرافیائی جمع کرده وعندالایجاب درج اخبار کنیم تا قارئین محترم ما وقتیکه خبر مهمی راجع بکدام مملکت شنیدند باید شمهٔ از احوال جغرافیائی آن نیز اطلاع حاصل کنند.

اگرچه این کار را تا کنون بصورت متفرق انجام داده ایم اما یس ازین در داخل یک انتظام و پروگرام بدرج چنین مضامین خواهیم پرداخت و البته طوری که شما نوشته اید این مضامین خیلی ساده وعام فهم خواهد بود تا برای آن خوانندگان ما که سویه بلند ندارند آسان باشد.

نامهٔ ما چنین پیشنهاد ها را بیکمال میل می پذیرد و حتی الامکان در برابر ساختن مضامین مندرجه بذوق خوانندگان عزیز خویش کوشش می کند. اینکه شما می فرمائید در اخبار بعضاً مضامینی است که انسان تا تحصیل منتظم نداشته باشد بدان پی نمی برد صحیح است و ما هم دانسته آنرا بزیر عناوین مباحث علمیه و یا جهان علم و... درج میکنیم تا خوانندهٔ ما بداند که مضمون عادی نبوده مربوط بعلم است و این کار را از ان جهت می کنیم که طبقات خوانندگان ما مختلف اند و یا مجبوریم بعضی مسائل و خبرهای علمی را که تازه بدست ما می رسد برای ایشان نیز تقدیم کنیم. طبعاً کسانیکه چنین مضامین را که محدود هم است می خوانند و بی نمی افتند بلکه ندا ود اخبار مضامین خواندنی زیادی برای ایشان دارد اگر یکی دوستون را نخوانند ضرری نمی کند.

ما از شما خواهش داریم که همیشه چیزی که نسبت باخبار ما فکر می کنید تحریر دارید و بدانید که ما در برابر چنین نظریات که حاکی از علاقه مندی خوانندگان ماست قلباً خوش می شویم.

باعرض احترام.

شاغلی محمد سمیع خان!

مکتوب شما را گرفتم. شکایت شما از موزع ماست و نوشته اید که اخبار را از لای دروازه بر بر کوچهٔ تان می اندازد و معطل نمیشود که شما و یا آدم تان از بالا فرود آئید در روز های بارانی و گل ولای در اثر این بی اعتنائی موزع بعضاً گوشهٔ از اخبار آلوده بلای و گل میشود و این کار حسن ندارد. درست است که اخبار گل آلوده بد انسان می آید اما بیچاره موزع را هم حق بدهید. او مو ظف است (طوریکه قبلاً هم نوشته ایم) که در ظرف دو سه ساعت معین باید تمام اخبارهای که برایش سپرده شده بصاحبان آن برساند متاسفانه بوسیلهٔ خبر کردن صاحب خانه در بین جا قلاب وزنجیر در ست که آنهم بواسطهٔ خنک وزمستان وبند بودن ارسی ها ودروازه ها و کشیدن پرده ها بشکل قابل سمع است وصاحب خانه کمتر در ین اوقات اعتنا بمراجعین دارد وحقیقتاً هم از زیر صندلی گرم برخاستن یک کسی سخت است شما تصور بفرمائید موزع ما که در وازهٔ را می زند تا وقتیکه صاحب خانه خبر میشود و دفرود می آید یا آدم او که اکثراً گروه تنبل همین ها هستند شد بفرد حرکتی میدهند. در ینجا پنج تا ده دقیقه وقت موزع را تلف می کند شما حساب کنید که در عقب هر دروازه اقلا پنج دقیقه توقف کند و از یک خانه بخانهٔ دیگر روی هم رفته ده دقیقه وقت او را بگیرد کار او بکجا میکشد شما ازین هم آگاهید که کوچه های پیچ در پیچ و بر برف ولای مانع آنست که بایسکل خود را به کار اندازد و مجبور است که بار گران اخبار را بدوش گرفته خانه بخانه برود و توزیع اخبار نماید و در خانهٔ که مطلبی برای گرفتن اخبارش رخ بدهد چنان کند که شما فرموده اید.

شما می فرمائید در دنیا چطور اخبار را میرسد درست می فرمائید اما باید ما خود را مقایسه نکنیم زیرا در دنیا آنجائی که اخبار روز مره چاپ می شود اولا مردم از بازار از نزد اخبار فروشان اخبار را می خرند کمتر و کسی اشتراک دارد و اگر اشتراک دارد در ذریعه پوسته میباشد و ثانیاً اینکه جاده ها و کوچه ها و انی مانند جاده ها و کوچه های ما ندارد و ثالثاً جایهای معینی در هر خانه برای انداختن اخبار است و موزع پسته که رسید اخبار و مکتوب خود را از همان جا بداخل خانه می اندازد بدون اینکه دق الباب کند یا انتظار بکشد آن است که به اخبار گل آلود نمیشود و نه موزع انتظار می کشد.

بهمه حال ما از شما تشکر میکنیم که ما را بنقص کار ما آگاه می کنید و کوشش می کنیم که راه حلی برای این مشکل بیابیم که هم اخبار برسد و هم شکوه مشتری کمتر بلند شود.

باعرض احترام.

دشاغلی «هاشمی» انتخاب

غزل

زه بلبل د دوصال یم بوستان خه دی
ستا دوصل په نسبت گلستان خه دی

چه آشنا شی ستا له دراوله دبواله
انتظار ئې پروته درضوان خه دی

په روزی ئې شهادت شی ستا له تیغ
احتیاج ئې په چشمه د حیوان خه دی

چه مسکن ئې دزړه ستا دزلفو غم شی
وهغوته دعطا رود کان خه دی

لحان جهان می هسې هیر دی ستا په مینه
نه یو هبنم چه لمان خه دی جهان خه دی

زه بې صبر یم که مهر دتا نشته
له دی دواړو دیه زړه کښې گمان خه دی

که ستاسو ترگی دی قاتلې زه مقتول یم
وایه نور دیه خاطر کښې ارمان خه دی

چه می وینې نورمی خه یو ښتې له حاله
له عیانه احتیاج د بیان خه دی

هر چه وائی ستاسی «درحمان» غلوه
و نو اناؤ نه حجت د نانو ان خه دی

انیس

نامهٔ دیگرانه

نمرهٔ تیلفون (۲۲۰ مرکز کابل)

شرح اشتراک:

درپایتخت یک سال ۳۵ = افغانی

ولایات ٤۰ = ؟

خارج ۲ پوند

برای شاگردان مکتب نصف قیمت

قیمت اعلان هارا لطفاً بادفتر روز نامه مفاهمه کنید

در مطبعهٔ عمومی کابل چاپ شد

بقیه صفحه اول

رادیوی امریکا از مانیلا بزبان روسی برای روس ها براد کاست میکند

نیویارک، معین وزارت خارجهٔ اتازونی در کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که حسب توصیهٔ ابریل هریمن سفیر کبیر اتازونی در مسکو اتازونی تصمیم گرفته که در آتیهٔ قریب یکدستگاه رادیو در مانیلا بکار اندازد که بزبان روسی براد کاست کند. همچنین عنقریب امریکا برای بالقانات استانه رادیوئی بکار خواهد انداخت.

امشب

در رادیو کابل

د شپی له ۷ نه تر ۹ پوری

۰ - ۷ پښتو لوست

۵ - ۷ - کلیوالی سندری

۱۵ - ۷ - ساز وآواز

۳۰ - ۷ - کلیوالی سندری

٤۰ - ۷ - پښتو خبرونه

۰ - ۸ - فارسی خبرونه

۲۰ - ۸ - رادیو درام

۵۸ - ۸ - وروستنی خبرونه

۰ - ۹ - پاچاهی سلام - ختم.

تایر و تیوب ٦٥ - افغانی

تایر و تیوب بایسکل بقیمت فی جوره (٦۰) افغانی از شرکت سرویس خریداره بوانید. (٤۸۷) ۲-۳

اعلان

از ریاست مستقل زراعت

مدیریت تبلیغات زراعتی ریاست مستقل زراعت بعموم اهالی مالدار اطراف ومرکز اطلاع میدهد که در روز اول حمل سال ۱۳۲۵ ترتیبات میلهٔ قلبه کشی و نمایش حیوانات اسپ ار گاو، گاوهای قلبه وشیری، جوانه گاوها، مرکب، قوچ دوسفند طیورا هلی از قسم مرغ خسک قبل مرغ، مرغ کلنگی، کبوتر، قاز، تیتر پذیرفته شده کسانیکه مواشی و طیور خوب فربه خوش اندام وجنس اعلی داشته باشند پیش از پیش مطلع باشند تا در روز موصوف حاضر دا: وسمی نمایند از انعامات نقدی و غیره که برای مواشی و طیور داده میشود استفاده نمایند. (۲-۳)

قرارداد سنگ کاری

محمد کریم ولد شاگل ساکن قلعهٔ ناظر چهاردهی کار سنگ کاری کاریزهای قلعهٔ جواد وبغل کوه و کاریز ماشین را قرارداد نموده شایقین از تاریخ نشر اعلان الی ده روز بمدیریت اجرائیه ریاست مستقل زراعت مراجعه نمایند.

(۴۹۹) (۱-۳)

تحویلداری اگر میکنید معاش مناسب دارد

شعبهٔ تجارتی بیک نفر تحویلدار باسواد بمعاش مناسب احتیاج دارد کسیکه خواهش تحویلداری را دارد به شعبهٔ اجرائیهٔ تجارتی صنایع معارف حاضر شود. (۵۰۰) ۱-۴

اعلانات

نقل مکان

شرکت عزیز از ایارتمان ۳ جادهٔ تیمورشاهی به ایارتمان ۹ جادهٔ مذکور نقل داده شده مسئله ایاران میتوانند که بایارتمان ۹ مراجعه فرمایند (۴۹۵) ۲-۳

بدرخواست کنندگان زمین

در شهر نو

ذواتیکه نمبرهای استحصال زمین برای آبادی خانه در شهر نو اخذ نموده اند پول قیمت زمین نمره رفتگی خودها را از ماموریت شهر قدیم ریاست بلدیه تکت معرفی اخذ و به دافغانستان بانک تحویل و بعد تحویل پول نقشهٔ تعمیر خود را جهت ملاحظه واستحصال اجازه بشعبهٔ مهندسی بلدیه حاضر نمایند. (۴۹۲) ۱-۳

سه دکان بفروش میرسد

سه باب دکان ۲، ۳، ٤ واقع جنوبی بازار چوک بازار هرات شهر قندهار را محمد سلم خان ومیر محمد عثمان خان ببلغ یک لک و ده هزار و چهارصد افغانی خواهش خریداری نموده اند اشخاصیکه خیال مزایده را داشته باشند بریاست زراعت الی مدت بیست روز مراجعه نمایند.

(۴۹٤) ۳-۳

مناقصه

فدا محمد ولد علی محمد ساکن پشه پشان برای تعمیر مکتب خواجه مسافر علیه الرحمه یک اندازه سنگ پارچه وخشت پخته وچونه وریگ دریائی وسنگ خشتی وغیره کار آمد مکتب مو صوف را تعهد نموده اشخاصیکه خیال مناقصه را داشته باشند بماموریت سرک جدید پشان باطاق اوراق تعمیرات مراجعه نمایند.

(۴۹۳) ۲-۳

فروش سهم

شرکت پسرلی یک اندازه سهام جهت فروش آزاد گذاشته اشخاصیکه خواهش خریداری سهم و یا سهیم شدن را بشرکت مذکور داشته باشند درخواست های خود را الی تاریخ ۱۵ دلو سال جاری بشعبهٔ محاسبهٔ شرکت مذکور بسپارند. (۴۹٦) ۲-۳

ضرورت به نل وقرارداد کفگیر آهنی

وزارت خواجه یک اندازه نل جهت بخاریهای جدید دوائر خویش ضرورت دارد که ٤ ونیم انچ قطر از قرار فی فوت ۷۵-٦ افغانی ویک تعداد کفگیر آهنی را از قرار فی دانه ۳۰-۵۰ افغانی با حاجی محمد طیب خان حلبی ساز قرارداد نموده است داوطلبان الی ده روز به شعبهٔ تنظیمات مدیریت مامورین وزارت خارجه مراجعه نمایند. (۵۰۱) ۱-۳